

واکاوی معنا شناختی "وفاداری" به مثابه يك فضیلت اخلاقی

با مطالعه موردی در زندگانی ام المومنین خدیجه کبری علیها سلام

اسحاق آسوده*

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر درنگی در فضیلت اخلاقی وفاداری و تحلیل معناشناختی و بیان اقسام آن است و کوشش شده مصادیق آن در زندگی همسر پیامبر خاتم، حضرت خدیجه کبری ارزیابی شود و دلایل شاخص بودن ایشان بدین وصف واکاوی گردد. روش تحقیق این نوشتار تحلیلی - کتابخانه ای است. نتایج و یافته های پژوهش که با تامل در میان منابع تاریخی، روایی و اخلاقی بدست آمده است، حکایت از دو کاربرد و معنای کلان وفاداری دارد؛ یکی ماهیتی حقوقی و اجتماعی داشته و آن تعهد و سرسپردگی نسبت به پیمان، عهد و میثاق است. معنای دوم ثبات در محبت و ارادت و اتمام مودت و شفقت نسبت به محبوب است و البته اطلاق دوم از نتایج و توابع اطلاق اول است و هر دو معنا فضیلتی اخلاقی هستند. شخصیت حضرت خدیجه کبری، نمونه عالی وفاداری در تمام معانی و مختصات آن است که از تقدیم سرمایه و گذشتن از مناسبات طایفه ای گرفته تا پشتیبانی و همراهی جسمی و روحی خالصانه و فروتنانه، نسبت به دین و رسول خدا را در بر می گیرد.

کلیدواژه ها: وفاداری، خدیجه کبری، اسلام، حضرت محمد ﷺ

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه جهرم (ea7049@gmail.com)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴؛ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۷/۱۹)

مقدمه

یکی از فضیلت‌های اخلاقی مهم که در مراودات اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و دینی بسیار تاثیرگذار ایفای نقش می‌کند، صفت وفاداری است. وفاداری همچنانکه نسبت به والدین، همسر، فرزندان و خویشان معنا می‌یابد، در رابطه با نهادها و سازمانها نیز کاربرد دارد. هم به حوزه قراردادهای و معاهدات طرفینی مرتبط می‌شود و از این حیث صبغه ای حقوقی دارد و هم در قالب مهرورزی، محبت و عطوفت به طرف مقابل موضوعیت می‌یابد که رنگ اخلاقی نیز به خود می‌گیرد. بالاترین درجه و مصداق اعلاى وفاداری، وفای به حق و رعایت عهد الهی است که همه زیرمجموعه‌ها و پیمانها را شامل می‌شود و بدانها سمت و جهت و اصالت می‌بخشد.

از این رو شناخت صفت وفاداری و سنخ‌شناسی آن و یافتن مصداقی که مظهر وفاداری به نحو تام باشد و بتواند عیار وفاداری را نشان دهد حائز اهمیت است. به تصدیق حضرت خاتم و اولیای طاهرین و اندیشمندان منصف مسلمان، حضرت خدیجه کبری در این موضوع شاخص و الگو است. در این نوشتار پس از تبیین معنا و مفهوم و کارکرد وفاداری و بیان اقسام آن، زندگی حضرت خدیجه کبری را مورد بررسی اجمالی قرار داده و مصادیقی از وفاداری ایشان نسبت به دین خدا و رسول الله و اکاوی می‌شود.

بیان مسأله

مسأله اساسی تحقیق ابتدا تحلیل وفاداری است. اینکه چه اقسامی دارد و در چه عرصه‌هایی موضوعیت می‌یابد؟ در مرحله بعد کوشش می‌شود فضیلت اخلاقی وفاداری بر زندگی حضرت خدیجه کبری تطبیق نموده و مصادیق آن برجسته و پررنگ گردد. پرسشهای پیش رو از این قرار است؛ امتیازات بانوی اول رسول الله در

این صفت چیست؟ چرا حضرت خدیجه کبری در این وصف شاخص است و دیگران قابل مقایسه نیستند؟ طبقه بندی و گونه شناسی وفاداری خدیجه کبری چطور صورت می‌پذیرد؟ نگاه اولیای دین به فضایل اخلاقی خدیجه کبری به ویژه وفاداری چگونه است؟ چرا رسول گرامی اسلام بارها اصرار بر بیان و اعلان وفاداری خدیجه کبری داشتند؟

پیشینه پژوهش

درباب وفا و وفای به عهد و همچنین درباره زندگی خدیجه کبری مقالات زیادی نگاشته شده است که نگارنده به تناوب از برخی بهره گرفته است. از باب نمونه موارد زیر را می‌توان نام برد؛

ساطع، نفیسه، تابستان ۱۳۹۴، تبیین تطبیقی وفاداری در نظام اخلاقی اسلام و اخلاق غیر دینی، پژوهشهای اخلاقی (فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی ایران)، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۲۳-۴۰

جوادی آملی عبدالله، آذرماه ۱۳۸۷، وفاء به عهد و پیمان، تدوین محمد رضا مصطفی پور، ماهنامه پاسدار اسلام قم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۳۲۴.

رحمت الله ضیایی، ۱۳۹۶، خدیجه علیها السلام، دانشنامه حج و حرمین شریفین، پژوهشکده حج و زیارت، قم، جلد هفتم، صص ۵۲۳-۵۲۸.

سلطانی احمدی و همکاران، شهریور ۱۳۹۹، سیمای خدیجه علیها السلام در تاریخ‌نگاری متقدم سنی: سنجش روایت‌های ابن‌سعد (د ۲۳۰هـ)، تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۱- شماره پیاپی ۳۱، صفحه ۵۲-۲۷.

مرتضی عاملی- جعفر، بهار ۱۳۹۹، خدیجه علیها السلام در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ره توشه، شماره ۱۲۲ (ویژه مبلغان)، صص ۱۹۴-۱۸۵.

حسینی، سید جواد، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱، فضایل ام المومنین حضرت خدیجه کبری، مجله مبلغان، شماره ۲۷۵، صص ۶۱-۷۳.

محمودپور، محمد، ۱۳۹۳، خدیجه، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، صص ۲۴۲-۲۴۷.
صمدی علی اکبر، بهمن ۱۳۶۷، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خدیجه سلام الله علیها، ادب و عاطفه، پیام زن، شماره ۷۱.

عمده مقالات علی رغم فواید بسیار و اثر بخشی زیاد، یا درباره فضیلت اخلاقی وفا و پیمان به عهد نوشته شده اند یا در لابلای وقایع زندگی خدیجه کبری و در کنار سایر فضائل اخلاقی ایشان، موارد و مصادیقی از وفاداری نیز بیان نموده اند. اما درباره تحلیل وفاداری با همه معانی و کاربردها و مصداق یابی و گونه شناسی در زندگی حضرت خدیجه کبری، تا جایی که نگارنده جستجو نمود، اثر مستقلی مشاهده نگردید و می توان گفت مقاله حاضر با وجود کمبودها، در نوع خود متمایز است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

وفاداری در معانی و گونه های مختلف آن از فضیلت های اخلاقی مهم است که تاثیر زیادی در زندگی فردی، خانوادگی، دینی و اجتماعی دارد. از این رو در کنار آشنایی و کنکاش درباره مفهوم و کارکرد آن، معرفی بیش از پیش الگوهای برجسته وفاداری مانند حضرت خدیجه کبری امری ضروری است.

بخش زیادی از پژوهشهایی که در باره خدیجه کبری شده است، صرف ابهام زدایی از تاریخ زندگی این بانوی بی تکرار گردیده است. مواردی مثل تجارت و

۱. این مقاله در آشنایی با منابع متعدد مفید است و از آن بهره های فراوانی برده ام.

نحوه آشنایی با پیامبر و ازدواج ایشان و سن و سال و شبهات مطرح شده، فرزندان یا ربائب آن حضرت، دوشیزه بودن یا نبودن ایشان و پاره ای رخدادهای تاریخی عمده ترین مباحث مطرح شده را تشکیل می‌دهد. با سیر در تاریخ پیامبر اسلام مشاهده می‌شود که جریانی تلاش دارد از فضل خاتون ختمی مرتبت بکاهد، یا فضائلش را کم رنگ جلوه دهد، یا امور فرعی و اعتباری را به جای مختصات حقیقی و اصلی به کار برد^۱. این دغدغه باعث شده در میان سجایای متعدد اخلاقی ایشان، از باب نمونه فضیلت اخلاقی وفا داری، بررسی شود تا زوایای پنهان زندگی ایشان اندکی روشن گردد و سهم ایشان در گسترش اسلام و پیشبرد امور آشکارتر شود.

مفهوم شناسی

معنای لغوی وفا و گونه‌های آن

تمام کردن، عمل به پیمان، مراعات و رعایت عهد، از جمله معانی است که برای وفاء (وَفَى يَفِي وَفَاءً اِيْفَاءً) در کتب لغت ذکر شده است. «وَفَى بَعْدَهُ وَاَوْفَى بَعْدَهُ» یعنی پیمانش را به انجام برد و به آن عمل کرد. وفاء به عهد و ایفاء به عهد آن است که آن را بدون کم و کاست و مطابق وعده انجام دهی. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۷/ ۲۳۰) برخی آن را ضد غدر (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۰/ ۳۰۰) معنا کرده اند و غدر را نقض عهد (همان: ۷/ ۲۹۴) یا ترک عهد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۵/ ۸۹) شمرده اند. وفا در اصطلاح یعنی انجام اعمالی که بنده تعهد کرده است (سجادی، ۱۳۸۶: ۷۸۸) در

۱. برای آشنایی با نمونه ای از این موارد رجوع شود به: مقاله سلطانی احمدی و همکاران، شهریور ۱۳۹۹، سیمای خدیجه علیها السلام در تاریخ‌نگاری متقدم سنی: سنجش روایت‌های ابن سعد (د ۲۳۰هـ)، تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۱، صفحه ۵۲-۲۷.

واقع ضد و نقطه مقابل وفا، غدیر و مکر و نیرنگ است که دلالت بر پیمان شکنی و عهدشکنی دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش: ۴/۴۷۲)

معنای دیگری از وفا در کتب ادبیات و اخلاق مشاهده می‌شود و آن محبت و ارادت ثابت، ماندگار مستمر است نسبت به فرد یا افرادی و نقطه مقابل آن جفاست. دهخدا در لغت نامه خودش هر دو معنای از وفا را آورده است: به سربردگی عهد و پیمان و قول و سخن و دوستی و استقامت ثبات در عهد و پیمان و قول و سخن و دوستی و صفا و صدق و ضمانت در کار و کردار (دهخدا، ۱۳۸۵ش: ذیل واژه وفا)

ملا احمد نراقی از وفا برداشت زیر را مدنظر دارد؛ «پاسداری محبت و لوازم آن و مداومت بر آن در حال حیات محبوب و بعد از ممات او، به دعا کردن از برای او و محبت به اولاد و بازماندگان و دوستان او» وی جفا را ضد و مقابل این تلقی از وفا می‌داند و آن را قطع دوستی یا کاستن از برخی لوازم دوستی می‌داند، چه در حال زندگانی فرد و چه بعد از مرگ او و چه نسبت به خود شخص و چه نسبت به فرزندان و دوستان او. وی تاکید دارد محبتی که در آن وفایی نباشد فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌گردد و چون فایده محبت در راه خدا در آخرت عاید می‌گردد، هر وقت محبت منقطع می‌شود ضایع می‌گردد. از این رو وفاداری بر ثبات و عدم انقطاع محبت تکیه دارد. (نراقی، ۱۳۷۸: ۶۸۴)

در مجموع تعهد نسبت به پیمان و میثاق و همچنین سرسپردگی، ثبات و استمرار در دوستی و مودت در یک گستره جامع معنای وفا است، همچنانکه گفته اند: الوفاء مَلَا زَمَةً طَرِيقِ الْمُوَاسَاةِ وَ مَحَافَظَةَ عَهْدِ الْخُلَطَاءِ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۰ / ۳۰۰)

وفا ملازمت بر طریق نیکخواهی و خیررسانی و پایبندی و باقی ماندن بر پیمانها و عهدهای یاران و شریکان است و پیمان شکنی و غدر و جفاکاری و بی مهری نقطه مقابل آن است.

وفاداری در قرآن کریم و روایات معصومین

قرآن کریم خداوند بزرگ را از همه وفادارتر به عهد دانسته^۱ و کسانی که به عهدشان وفادارند را در زمره پرهیزگاران و متقیانی قرار داده است که محبوب خداوندند.^۲ در جای دیگر از بندگان می‌خواهد به عهدشان وفا کنند تا خداوند نیز بر عهد خود بماند^۳ و رعایت امانت و عهد و پیمان را از صفات مومنان می‌داند.^۴

در روایات معصومین اطهار وفا و وفاداری به معنای نگهداشتن عهد و پیمان^۵ بسیار مورد تاکید و سفارش است تا جایی که از نشانه‌های ایمان^۶، عالی ترین خلق و خوی^۷، دژ سروری^۸، وفور دینداری و قوت امانت داری^۹، دانسته شده است. از منظر امامان معصوم وفای به عهد و پیمان در کنار امانت داری و احسان به والدین از اوصافی است که خدای سبحان اجازه ترک آن را به کسی نداده است. چه طرف مقابل ما نیکوکار باشد چه بدکار. در واقع اهمیت به وفای عهد از جانب اسلام به

۱. «... وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۱۱۱)

۲. «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران / ۷۶)

۳. «... وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (بقره/۴۰)

۴. «وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون / ۸)

۵. الْوَفَاءُ حِفْظُ الدَّامِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۲۲)

۶. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ: مِنْ دَلَائِلِ الْإِيمَانِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۹۷/۱۶)

۷. أَشْرَفُ الْخَلَائِقِ الْوَفَاءُ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۶)

۸. الْوَفَاءُ حِصْنُ السُّودِدِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۵۶)

۹. الْوَفَاءُ عُقْوَانُ وَفُورِ الدِّينِ، وَ قُوَّةُ الْأَمَانَةِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۷۶)

حدی است که حتی نسبت به مخالفان و معارضان شریعت نیز اجازه تخطی و سرپیچی از آن و پیمان شکنی و نقض عهد نمی‌دهد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲/ ۱۶۲)

در نامه امیرمؤمنان به مالک اشتر آمده است که اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ يك از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند. (سید رضی، ۱۳۷۹: ۵۸۹-۵۸۶)

واکاوی وفاداری

وفاداری به معنای دفاع کورکورانه و غیر منطقی نیست. تعصب ورزی بی حساب و کتاب و یکجانبه گرایانه هم نیست. بلکه ایستادگی ضابطه مند روی وعده و تعهد معقول مقبول است و روشن است که ملتزم شدن و باور پیدا کردن بدون تحقیق و تعقل و تبیین منطقی، پذیرفتنی نیست.

رابطه عقلانیت و خردمندی با وفای به عهد مورد تاکید منابع اسلامی است؛ «تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند، آنان که به عهدهایشان وفا می‌کنند و پیمان و میثاق را نمی‌شکنند.»^۱ در بیانی دیگر آمده است: وفاداری زینت خرد و بیانگر نجابت و فضیلت آدمی است.^۲

مفسران شخصیت حضرت خدیجه را به وصف عقلانیت و شرافت ستوده‌اند.

«كَانَتْ خَدِيجَةً اِمْرَاةً عَاقِلَةً شَرِيفَةً مَعَ مَا ارَادَ اللهُ بِهَا مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْخَيْرِ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ اَفْضَلُهُمْ نَسَبًا وَاَعْظَمُهُمْ شَرَفًا وَاكْثَرُهُمْ مَالًا» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۵۲۱/۱)؛ خدیجه علیها السلام با

۱. «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ...» (رعد / ۲۰-۱۹)

۲. الْوَفَاءُ جَلِيَّةُ الْعُقُلِ وَ عُنْوَانُ النَّبْلِ؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۸۵ و محمدی ری شهری، ۱۴۲۲ق: ۱۳/ ۳۴۶)

بزرگی و خیری که خداوند برای او اراده کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگ‌ترین شخصیت در شرف و ثروت بود. وفاداری در هر دو معنا چه به معنای تعهد و سرسپردگی نسبت به پیمان، عهد و میثاق و چه به معنای تداوم در محبت و ارادت و اتمام مودت و شفقت نسبت به محبوب، حکایت از عقلانیت فرد دارد. انسان خردمند عاقل ثبات در محبت و ارادت دارد و پیمان گسستن و عهد شکستن را بر نمی‌تابد. در این شاخصه و وصف در هر دو معنا به قدری حضرت خدیجه کبری شاخص و وفادار است که می‌تواند عیار وفاداری باشد و تجسم عینی وفاداری لقب گیرد.

بدون التزام به وفاداری اعتقاد ورزی بی معنا و غیر متحقق خواهد بود و از آنجا که هیچ انسان غیر معتقدی یافت نمی‌شود پس تمامی انسانها معترف به لزوم وفاداری هرچند به نحوی غیر آشکار و استلزامی هستند. هیچ مکتب فکری اخلاقی خواه بر فرد خواه بر جمع تاکید داشته باشد نمی‌تواند منکر ضرورت وفاداری باشد. به محض انکار این ضرورت مکتب معنای خودش و دعوت دیگران به اعتقاد ورزیدن به خود را از دست می‌دهد.

از دیدگاه اسلام همه آدمیان عهد و پیمان الهی با پروردگار خویش دارند. هر آدمی مزین به اختیار بوده و در هر لحظه از زندگی خویش گریزی از گزینش مختارانه ندارد.

هر انتخاب به منزله وفا یا نقض آن عهد تکوینی است و هر وفای به عهد یا نقض آن در تک تک لحظات زندگی تعیین کننده جایگاه و جودی انسان در مسیر صعود الی الله و قرب و بعد او به خداوند است. ارتباط و عهد انسان با خدا تعیین کننده تمامی دیگر روابط ارتباط انسان با خود خانواده اجتماع و محیط زیست و التزام به سایر عقود و

پیمان‌هاست تمامی خوب و بد و باید و نباید اخلاقی در راستای همین اهداف انسان با خداوند و وفای به آن معنا می‌یابد. (ساطع، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۹)

اخلاص و انگیزه صادقانه یکی از شاخصه‌ها و شاکله‌های اصلی اهل وفا و پیمان است و اگر بذر صدق و راستی کاشت نشود انتظار برداشت وفا را نمی‌توان داشت. البته درجه وفا داری به نسبت نیت و انگیزه فرد و حدت حوادث و درجه ایثار و اخلاص فرد متفاوت است. گاهی فرد زخمی تیر و پیکان می‌شود و گاهی آماج توهین‌ها و تهمت‌ها. در زندگی خدیجه کبری همچنان که خواهد آمد ابعاد مختلف و برجسته وفا داری با درجه ایثار عالی، مشاهده می‌شود.

وفا داری آرمانی و قدسی، یک احساس غریزی صرف یا وصف عاطفی محض که در همه انسانها و حتی برخی حیوانات یافت می‌شود، نیست و متأثر از تعصبات قومی، قبیله‌ای و پابندی‌های نژادی و نسبی نبوده و سطح متعالی تری را در می‌نوردد و حقیقت وفا داری به ایمان، عقلانیت و شخصیت درونی و معنوی افراد و قداست متعلق وفا داری گره خورده است.

جایگاه ممتاز حضرت خدیجه کبری

خدیجه رضی الله عنها در يك خانواده اصیل و شریف قریش دیده به جهان گشود که افراد خانواده‌اش اهل فضل و فداکاری، معنویت و حامی خانه کعبه بودند. پدرش خویلد^۱، و مادرش فاطمه بنت زائده^۲ است. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۴ / ۱۸۱۷) وی از سرمایه داران و بازرگانان ثروتمند و تاجر پیشه حجاز و ارزش کاروان او به اندازه کاروان

۱. خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب.

۲. فاطمه بنت زائده بن الأصم بن فهر بن لوی بن غالب.

همه قریش بود. (محمد بن سعد، ۱۳۷۴ش: ۱۱/۸-۱۲)

ظرافت این بانوی با درایت این بود که پرداختن به تجارت و زعامت اقتصادی و مبادلات بازرگانی، طهارت و نجابت اخلاقی و شخصیتی او را مخدوش نساخت و نجابت او را به مخاطره نینداخت. پاکی ایشان حتی پیش از اسلام و قبل از ازدواج با حضرت ختمی مرتبت گزارش شده تا جایی که در زمان جاهلیت نیز طاهره نامیده می‌شد.^۱ (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۷/۱۳۴) (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۲/۱۱۱) (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق: ۴/۱۸۱۷)

با اینکه به خاطر ثروت بسیار و شخصیت خانوادگی و فامیلی و عفت و پاکدامنی و سایر جهاتی که در خدیجه جمع بود همه مردان قریش آرزوی همسری او با مهریه سنگین را داشتند و خواستگاریها کرده بودند (محمد بن سعد، ۱۳۷۴ش: ۱/۱۲۰) اما اراده پروردگار تقدیر دیگری برایش رقم زد و خود مشتاقانه پیشنهاد ازدواج را به پیامبر اکرم داد و وصلت صورت گرفت و تا خدیجه زنده بود پیامبر همسر دیگری اختیار ننمود. (ابن هشام، ۱۳۷۵ش: ۱/۱۲۲-۱۲۱)

محدثان و مورخان درباره معنویت و مرتبت قدسی این بانوی قدیسه گزارش‌های فراوانی نقل نموده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید؛ خداوند متعال در هر روز چند بار به سبب خدیجه کبری بز ملائکه مباحثات می‌ورزد.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۶/۷۸) در حدیث دیگری نقل شده است که جبرئیل حامل سلام الهی به خدیجه رضی الله عنها بوده است و وقتی پیامبر این سلام را به خدیجه می‌رساند خدیجه پاسخ می‌داد: خداوند سلام

۱. و كانت تُدعى في الجاهلية بالطاهرة لشدة عفافها و صيانتها.

۲. فلا تظني يا خديجة إلا خيرا، فإن الله عزوجل ليباهي بك كرام ملائكته كل يوم مرارا.

است (رحمت) و سلام از اوست و باز هم سلام به سوی او برمی‌گردد. (ابن هشام، ۱۳۷۵ ش: ۱ / ۱۵۷ و ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۴ / ۱۸۲۱).

طبق فرمایش نبی مکرم، خداوند متعال از میان زنان جهان چهار تن را فضیلت و برتری داده است. مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹ / ۴۳ و ۲۰۱ / ۱۴) برخی از دانشمندان اهل سنت بیان داشته‌اند: «قدر مشترک در میان مریم، آسیه و خدیجه، این است که هر یک از اینها، پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است؛ آسیه، حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد. مریم، حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث شد به او گروید. خدیجه نیز پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد، به او ایمان آورد» (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ۳ / ۱۶۰)

نشانه‌ها و شاخصه‌های وفاداری و مصادیق آن در زندگانی خدیجه کبری

قدمت و سبقت خدیجه کبری در ایمان و اسلام

در منظومه فکری اسلام وفاداری و ایمان رابطه تنگاتنگی با هم دارند به گونه‌ای که طبق فرمایش امیر مومنان از نشانه‌ها و دلایل ایمان، وفای به عهد است و کسی که به عهدش وفا نمی‌کند، دین و ایمان ندارد. (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۶ / ۹۷) از حضرت رسول اکرم پرسیده شد خداوند را چگونه بخوانیم؟ فرمودند: بالصدق و الوفاء و وقتی از معنای وفا سوال شد «قال صلی الله علیه و آله: شهادة أن لا إله إلا الله». (همان: الخاتمة ۱ / ۲۹۱ - ۲۹۰) به شهادت مورخان و راویان حدیث خدیجه کبری اولین زنی بود که به پیامبر ایمان آورد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۴ / ۱۸۲۰) (مجلسی ۱۴۰۳ق: ۳۸ / ۲۰۳ و ۲۴۵ و ۲۸۶). درحالی که پیش از آن نیز شرک نوزیده بود، تا پایان عمر بر عهد

خویش استوار ماند و مرارت‌ها باعث شکستن عهد و پیمان‌ش نشد و سزاوارنه ملقب به نشان ام المومنین گردید.

عقیف کندی گوید من مردی تاجر بودم و ایام حج به مکه آمدم و نزد عباس رفتم و در این میان که ما بودیم ناگاه مردی آمد و برابر کعبه ایستاد و نماز خواند و سپس زنی آمد و با او نماز خواند و باز هم پسر بچه‌ای من به عباس گفتم: این چه دینی است؟ گفت این محمد بن عبد الله برادرزاده من است و پندارد که خدا او را مبعوث کرده است و گنجهای قیصر و کسری به دست او خواهد افتاد و این همسرش خدیجه است که به او ایمان آورده و این هم علی بن ابی طالب است و به خدا سوگند در همه روی زمین جز این سه کس را پیرو این دین ندانم. (مجلسی، ۴۰۳ق: ۲۴۴/۳۸ و ۱۵۱/۴۱)

در مورد حضرت خدیجه کبری این نکته شایان توجه و دقت است که ابتدا و قبل از وصلت و شروع رسمی زندگی، اعلان وفاداری نمود و در زندگی با رسول خدا، عامل به وفاداری بود و مشکلات او را از این مسیر دور نساخت. در قبال این مهرورزی فداکارانه بهره دنیوی و مادی عایدش نشد و علی رغم تقدیم سرمایه، مطالبه و گلایه و شکوایه ای هم ننمود.

دلبستگی به سرمایه معنوی همسر و بی‌اعتنایی به امتیازات و رسوم مرسوم

گرایش به ازدواج با مردان ثروتمند و سرمایه دار در بسیاری از زنان مشاهده می‌شود و از گذشته تا به امروز مصادیق فراوانی داشته است. لکن حضرت خدیجه کبری علی رغم ثروت و شهرت چشمگیر، مشتاق و علاقه مند فردی می‌شود که بهره چندان از مادیات نداشته است و آنچه باعث جلب توجه و پسند طبع و اعجابش

می‌گردد، کمالات و فضایل درونی و باطنی محمد ﷺ (امانت و کفایت) است و نه صرفاً موفقیت‌های نسبی تجاری یا امتیازات مرسوم ظاهری. (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق؛ ۲۰/۲۶۵)

در مجلس عقد پس از آنکه جناب ابوطالب مهر برادرزاده را تقبل کرد، خدیجه کبری با تواضع ضمن اظهار خرسندی مهر همسرش را خود بر گردن گرفت تا جایی که شخصی طعنه زنان گفت: شگفتا مهر بر دوش زنان است! ابوطالب خشمگین شد و پاسخ داد: اگر مردان همانند این برادرزاده من باشند آنان به گران‌ترین قیمت و بزرگ‌ترین مهر خواستگاری خواهند شد. اما اگر مثل شما باشند جز با پرداخت مهر زیاد به آنان زن نمی‌دهند. (کلینی، ۱۴۳۰ق: ۱۰/۷۰۴) شاید این نخستین اظهار وفا داری رسمی و علنی خدیجه بود و تا آخرین لحظه زندگی ادامه داشت.

در شعری که منسوب به حضرت خدیجه رضی الله عنها است خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه می‌دارد:

فلو أنني أمسيت في كل نعمة ودامت لي الدنيا وملك الاكاسرة
فما سويت عندي جناح بعوضة إذا لم يكن عيني لعينك ناظرة

اگر تمام نعمت‌های دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسراها و پادشاهان را داشته باشم، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشم به چشم تو نیافتند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۶/۵۲)

به عبارتی در مواجهه با کمالات روحی و شخصیتی پیامبر اکرم، خدیجه کبری اسیر و فریفته ظواهر دنیوی و زرق و برق‌های ظاهری نشد و در این وادی هم دارایی اش را داد و هم موقعیت اجتماعی اش را. اعتبارات دوران جاهلی را کنار زد، تا جایی که حمایت زنان قریش را از دست داد و طعن و سرزنش و ترک هم‌نشینی آنها را به جان خرید. (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: ۵۹۴)

حمایت همیشگی عاطفی و روحی از رسول خدا

این بانوی بی همتا در رنج‌ها و دردها، غمگسار بود و نقش روانی، عاطفی و یاری باطنی اش بی نظیر بود. خدیجه همواره به حضرت رسول کمک میکرد و برای آن جناب به منزله وزیری بود، وی به اسلام مصدق بود و رسول خدا بوسیله او آرامش دل پیدا می کرد. (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۷۶) اسلام این بانوی محترم تقویت روحی عجیبی برای رسول خدا ﷺ بود، زیرا مشرکین آن جناب را در خارج از خانه می آزرده و سخنان ناهنجار بر زبان آورده و نبوتش را تکذیب می کردند. چون به خانه می آمد تنها خدیجه یعنی همان زن با ایمان بود که او را تسلی میداد و ناراحتیهای درونی او را به هر ترتیبی بود بر طرف ساخته او را قوی دل می ساخت و اندویش را به نشاط و شادی مبدل میکرد و موجبات دلگرمی اش را فراهم می نمود. (ابن هشام، ۱۳۷۵ش: ۱ / ۱۵۷ و ۲۶۶)

همراهی در سختی و آسانی و استمرار در پشتیبانی

ثبات، برقراری و عدم تزلزل شاخصه دیگر وفاداری است به گونه ای که فراز و فرودها تغییری در میزان وفاداری فرد ایجاد نکند. از امام مجتبی ﷺ روایت شده است: «الإخاءُ الوفاءُ فی الشدةِ و الرخاءِ؛ «نشانه برادری، وفاداری در سختی و آسایش است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۵ / ۱۱۴) وفاداری زمانی ارزش و کارکرد حقیقی خود را دارد و عیار خود را نمایان می سازد که در کوران بلایا و آسیبها نیز برقرار و ماندگار باشد. در مواجهه با خطرات و مخاطرات چه بالقوه و چه بالفعل، نباید سرسپردگی و تعهد مدعی وفاداری سست شود، حتی اگر به قیمت جان و مال و آرامش و آبرو و اعتبارش تمام شود.

خدیجه کبری در این ویژگی نیز مصداق کاملی است. وی بهترین انیس

پیغمبر ﷺ و قوی‌ترین مددکار روز سختی بود. او در شدائد و دشواریهای اسلام موجب تسلی خاطر پیغمبر گردید و با آن قدرت مالی و شهرت مقامی که داشت با زجر و تهدید و تبعید شوهر ساخت. (ابن طاووس ۱۳۷۴ ش: ۴۴۲). به شهادت تاریخ بینش، منش و روش خدیجه کبری پیوسته بر مدار ثابت و مشی مستقیم. چه آن سان که اموالش از شماره بیرون بود و در سراسر حجاز خدم و حشم او گسترده بود و چه آن زمان که در فقر و تنگنا و فشار اقتصادی و معیشتی بودند و چه آخر عمرش که دستش از سرمایه دنیوی تهی بود دست از همراهی همسر خود نکشید و نقش خانه داری خانه توحید را تا پایان عمر ایفا کرد.

التزام در محبت و قدرشناسی نسبت به متعلقات پیامبر اکرم

از مصادیق وفاداری این است که انسان یار همراه و رفیق خود را یار خود بداند و او را نیز به جهت ارتباط و پیوندی که دارد تکریم نماید. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: دوستانت و دوستِ دوستت و دشمنِ دشمنت همگی در زمره دوستان هستند. (سیدرضی، ۱۳۷۹ ش:، کلمات قصار / ۲۹۵) از منظر علمای اخلاق مراعات دوستان و آشنایان و متعلقان محبوب از جمله آثار وفاداری است و محبوب، رعایت و تفقد حال اطرافیان و وابستگی خود را ترجیح می‌دهد و خوشنودترش می‌سازد و بلکه عیار و قوت دوستی با کسی از مسیر دوستی یا وابستگی و متعلقانش معلوم می‌شود. البته وفای به دوست تا زمانی ممدوح است که پای معصیت پروردگار به میان نیامده است و موافقت با دوست در مسیر معصیت الهی و خلاف حق مذموم و عین جفاست. زیرا باعث هلاک طرفین می‌شود و نیاز به نصیحت و ارشاد است. (نراقی، ۱۳۷۸: ۶۸۴)

محمد غزالی ذیل بحث حقوق و اخلاق صحبت و دوستی، شرایطی را برای وفاداری بیان کرده است. از جمله می‌گوید: وفا آن است که به متعلقین دوست شفقت

کند یا اگر به مقامی و حشمتی و ولایتی برسد بر دوستان تکبر نوزد، یا خاطر نشان می‌سازد وفاداری آن است که دشمن دوست خود را دشمن خود بداند. (غزالی، ۱۳۸۳: ۴۱۱-۴۱۲ و غزالی، ۱۳۷۶: ۴۰۷) (پناهی و کریمی یونجالی، زمستان ۱۳۹۱: ۱۱)

خدیدجه کبری به قدری در وصف شفقت به متعلقین حبیبش، ممتاز است که حتی نسبت به حلیمه دایه پیامبر اکرم مهرورزی میکند. وقتی حلیمه سعديه دایه گرانقدر حضرت ختمی مرتبت به خانه ایشان آمد و از قحطی شکایت کرد به پاس زحمات این زن، ضمن تکریم چهل گوسفند و یک شتر نثارش کرد. (محمد بن سعد، ۱۳۷۴ ش: ۱/۱۰۴)

ثوبیه، کنیز ابولهب، که نخستین بار به پیامبر شیر داده بود، از جمله کسانی بود که با آنان در ارتباط بود. خدیدجه حتی برای جبران خدمت وی و کسب رضایت پیامبر بارها تلاش کرد تا او را از ابولهب بخرد و آزاد کند، ولی موفق نشد (بلاذری، ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰ م: ۱/۱۰۸-۱۰۹). زیدبن حارثه، غلامی بود که خدیدجه به پیامبر بخشید و حضرت نیز او را آزاد و پسر خوانده خویش کرد. (همان: ۵۵۹-۵۵۶)

همچنین نسبت به حضرت علی بن ابوطالب عموزاده محبوب پیامبر که از کودکی تحت تربیت پیامبر بود، این محبت را ارزانی داشت. مهرورزی به امیر مومنان از سوی خدیدجه از آن روست که حب به علی علیه السلام را در واقع حب به پیامبر اکرم و در امتداد حب الهی می‌داند. حضرت خدیدجه تلاش داشت با پرورش و تربیت حضرت زهرا علیها السلام کمبود و فقدان وجود خود و با پرورش و تربیت حضرت علی علیه السلام خلاء و نقصان وجودی ابوطالب را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جبران نمود. به عبارتی حضرت خدیدجه کبری نه تنها در حیات خود مونس و یار و غمگسار پیامبر بود، از شدت

فراست و بصیرتش، در تربیت این دو چنان کوشید که بعدها ایفای نقش محوری داشته باشند. بنابر این خدیجه کبری نه تنها مادر سیده نساء عالمین و ائمه طاهرین است، بلکه مادر امیر المومنین هم بوده است.

در منابع روایی آمده است همین که از محبت رسول خدا ﷺ به علی ﷺ آگاه شد از وی دیدن می کرد، با بهترین لباس و زیورها آن حضرت را زینت می داد، کنیزان خود را همراهش می فرستاد. کنیزها می گفتند این علی برادر محمد و محبوبترین مردم در نزد او و نور چشمی خدیجه است و کسی است که اطمینان و آرامش بر او نازل شده است. (مسعودی، ۱۳۶۲ش : ۲۵۷)

ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» می نویسد: «حضرت علی ﷺ، از کودکی در خانه حضرت خدیجه ﷺ رشد کرد و پس از او، با دخترش (فاطمه ﷺ) ازدواج کرد. بنابر این آشکار می گردد که ریشه و اساس اهل بیت پیامبر ﷺ از سوی مادر به حضرت خدیجه ﷺ باز می گردد، نه دیگری.» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۱۳۸/۷)

مهر خدیجه صرفاً جنبه عاطفی نداشت و صبغه ای ولایی هم یافت و در این آزمون الهی چونان سایر عرصه‌ها سرفراز گردید. بعد از بیعت، پیامبر ﷺ از همسرش خواست که با امام بعد از پیامبر یعنی حضرت علی ﷺ بیعت کند و به ولایت ایشان اقرار کند که حضرت خدیجه ﷺ بی درنگ با ایشان بیعت کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: ای خدیجه! این علی است مولای تو و مولا و امام مومنین بعد از من. خدیجه فرمود: راست فرمودی ای رسول خدا! همانا من همان گونه که شما فرمودی با او بیعت کردم؛ خداوند و تو را بر این کار شاهد می گیرم و همانا برای شهادت خداوند گواه و

دانا کفایت می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۸ / ۲۳۳)

از امام موسی بن جعفر از قول پدر بزرگوارش در تفسیر آیه ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (سوره اسراء، آیه ۳۴) وارد شده است که فرمود: عهد همان پیمانی است که پیامبر اکرم ﷺ از مردم درباره‌ی مودت ما و اطاعت امیرالمؤمنین ﷺ گرفت که با او مخالفت نکنند و او را مقدم بدانند و رابطه‌ی خویشاوندی‌اش را قطع نکنند، و به آن‌ها اطلاع داد که از این امر و هم از کتاب خدا بازخواست خواهند شد. (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ۲۹۶)

نقش سرمایه و ثروت خدیجه در اسلام

وسعت و گستره اموال و دارایی‌های حضرت خدیجه کبری بسیار کم نظیر بوده است و درباره آن اقوال متعددی بیان شده است. وی همه آنها را خالصانه و سخاوتمندانه، صرف اسلام و مسلمین کرد. در بحارالانوار علامه مجلسی نقل شده است که حضرت خدیجه به عمویش ورقه بن نوفل گفت: تمام ثروتی که من دارم هدیه‌ای به محضر رسول اکرم است، تمام آن ملک پیغمبر اکرم است و هرطور که بخواهد می‌تواند خرج کند. ورقه بن نوفل ما بین زمزم ایستاد و با صدای گفت: ای قبایل عرب آگاه باشید خدیجه همه را گواه می‌گیرد که خودش و تمام اموال و بندگان و خدم و حشمش را به پیامبر هبه کرد. رسول اکرم هم این هدیه خدیجه را پذیرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶ / ۷۱). با اهدای آن همه ثروت و مکنت، دستش خالی شد، ولی هیچ گاه از فقر و تنگدستی شکوه نکرد و رفاه و آسایش پیشین خود را به رخ نکشید و صبورانه زندگی زاهدانه را اختیار کرد.

منفعت مال خدیجه و نحوه مصرفش

اموال خدیجه کبری بسیار پربرکت بوده است، تا جایی که در زمان حیات پیامبر و

حتی بعد ایشان مورد استفاده قرار گرفت. رسول خدا تاکید داشت هیچ اموالی به اندازه مال خدیجه برای پیشبرد اسلام منفعت نداشته است. (مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ)، این اموال را صرف کسانی که در مانده بودند، اسیر شده بودند، گرفتار بودند، افرادی که در راه مانده بودند، فقرای اصحاب که در مکه بودند و افرادی که می‌خواستند به مدینه هجرت کنند کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹ / ۶۳ و ۶۲) (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۸)

خدیجه و شعب ابی طالب

خدیجه رضی الله عنها در سه سال محاصره و ریاضت اقتصادی شعب ابیطالب، هیچ گاه همسرش را تنها نگذاشت. وی تمام ثروت خود را در جریان شعب خرج کرد تا جایی که گفته می‌شود بعد از محاصره اقتصادی دیگر ثروتی نداشت. او علاوه بر اینکه ثروت خود را در این راه صرف کرد، از خویشان خود نیز خواست که در فرصت پیش آمده به مسلمانان کمک کنند. حکیم بن حزام، برادرزاده خدیجه رضی الله عنها گاهی نیمه شب‌ها مقداری گندم و خرما بر شتری می‌گذاشت و تا نزدیکی شعب می‌برد. آن گاه افسار شتر را بر گردنش می‌آویخت و آن را رها می‌کرد تا به مسلمانان برسد. کمکهای ابوالعاص و حکیم بن حزام، خواهرزاده و برادرزاده خدیجه، به محاصره شدگان در شعب ابی طالب، در حالی که هنوز آن دو نفر اسلام نیاورده بودند، به دلیل وجود خدیجه و به اعتبار حضورش در میان آنان بود (ابن اسحاق، ۱۳۹۸/۱۹۷۸: ۱۶۱)

روزی حکیم بن حزام برای مسلمانانی که در شعب محاصره شده بودند آذوقه می‌برد، ابوجهل با وی برخورد کرد و پرسید: برای بنی‌هاشم طعام می‌بری؟ این مخالفت با قراردادی است که امضا کرده‌ای، تو را رسوا خواهیم کرد! ابوالبختری که از قریش بود، به پشتیبانی از حکیم گفت: ابوجهل! حیا نمی‌کنی؟! این مرد گندمی را که

از عمه‌اش پیش او بوده برایش می‌برد و تو مانع ادای حق می‌شوی؟ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/۱۹) فشارهای ناشی از تحمل گرسنگی و سختی این دوره را می‌توان در رحلت خدیجه علیها السلام مؤثر دانست. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱/۳۴۵-۳۴۱)

ذکر خدیجه کبری در مصحف شریف

در روایات آمده است که آیه کریمه ﴿وَوَجَدَكَ غَائِبًا فَأَغْنِي﴾ (الضحی/۸) درباره حضرت خدیجه است و خداوند به وسیله ثروت سرشار خدیجه پیامبر را بی‌نیاز کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۷ش: ۱/۱۲۲)

به عبارت دقیق‌تر توجه خدیجه آن زن مخلص با وفا را به سوی پیامبر گرامی جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار او و اهداف بزرگترش قرار دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲۷/۱۰۵) برخی البته وجوه دیگری را علاوه بر بخشش ثروت خدیجه به پیامبر، در معنای آیه ذکر کرده‌اند. (طبرسی ۱۳۷۲ش: ۱۰/۷۶۶)

مقایسه مال خدیجه و شمشیر علی علیه السلام

اثر بخشی و ثمر دهی اموال خدیجه در راه اعتلای اسلام به حدی بود که برخی آن را با ذوالفقار علی علیه السلام مقایسه می‌کنند.^۱ بذل مال حضرت خدیجه محدود به بخشی از ثروت نبود تا انفاقش راحت‌تر باشد. بلکه گذشتن از تمام ثروت و دارایی بوده که عمری در راه آن زحمت کشیده شده است و شاید حاصل ارث سالها پیش از حیات ایشان بوده باشد و البته بعد از جانفشانی و انفاق مال و دارایی متحمل آن همه سختی و مشقت در طول دوران دعوت پنهانی و علنی اسلام و مرارت‌های شعب ایطالب شد.

یکی از وجوه برتری انفاق مال خدیجه و ایثار جان علی علیه السلام این بود که قبل از فتح

۱.. إِنَّ الْإِسْلَامَ قَامَ بِأَمْوَالِ خَدِيجَةَ وَ سَيْفِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا سَلَامُ اللَّهِ (کراجکی، ۱۴۲۷ق: المقدمة ۱۲).

مدینه و قبل از گسترش اسلام، در زمانی که ظلمت همه جا را گرفته بود و جهالت شبه جزیره را در نور دیده بود، نصرتشان شامل پیامبر و اسلام شد و این حاکی از بصیرت والای این یاوران و ناصران حقیقی پیامبر اسلام است. از این روست که قرآن کریم صراحتاً خاطر نشان می‌سازد. کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (الحديد / ۱۰).

خدیجه و فدک

فدک در سال هفتم هجری به دست پیامبر خدا افتاد. جریان از این قرار بود که پس از محاصره خیبر و درهم شکستن قدرت یهود در آن منطقه و عطوفت و مهربانی آن حضرت نسبت به چند قریه از آن آبادیها، اهالی فدک حاضر شدند با پیامبر ﷺ مصالحه کنند که نصف سرزمین آنها اختصاص به پیامبر داشته باشد و نصف دیگر از آن خودشان، و در عین حال کشاورزی سهم پیامبر به عهده آنها باشد و در برابر زحماتشان مزد دریافت دارند، بنابر این با توجه به آیه ۶ سوره حشر که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كُنَّ اللَّهُ يُسَلِّطُ رَسُولَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. این قسمت زمین ملک پیامبر گردید و پیامبر به آن گونه که می‌خواست در آن تصرف می‌کرد. تا آیه: وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ حَقَّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ را ادا کن نازل شد، پیامبر از جبرئیل پرسید منظور از این آیه چیست؟ پاسخ داد: فدک را

به فاطمه ببخش تا برای او و فرزندانش مایه زندگی باشد و عوض از ثروتی باشد که خدیجه در راه اسلام مصرف کرده است پیامبر ﷺ فاطمه را خواست و فدک را به او بخشید، از این ساعت ملکیت پیامبر پایان یافت و فدک ملك فاطمه شد، این جریان تا زمان وفات پیامبر ادامه داشت. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ش: ۳۹۲)

وفا داری و قدر شناسی پیامبر اکرم نسبت به خدیجه کبری

علاقه و عاطفه پیامبر اکرم به خدیجه کبری به حدی بود که ظرف بیست و پنج سال زندگی مشترک که حدود یک سوم عمر شریفشان است با هیچ زن دیگری ازدواج نکرد. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۴ / ۱۸۱۹) زیرا همچنانکه برخی خاطر نشان ساخته اند حضرت خدیجه تمام فضائل و نیکی‌هایی که زنها داشتند را به تنهایی داشت. «لأنها اغتته عن غيرها» و این فضیلت بی نظیری برای حضرت خدیجه است که کسی در آن با وی شریک نیست. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۷ / ۱۳۷، ح ۳۶۰۷)

ایشان خدیجه را بسیار دوست می‌داشت و به وی دلبستگی فراوان داشت. وَ كَانَتْ لَهَا مُجِبًا وَ بِهَا وَامِقًا (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۶ / ۷۸) حضرت خدیجه نیز متقابلاً در دوری ایشان محزون و اندیشناک می‌شد. (مجلسی، ۱۳۷۹ش: ۱۱۱) پیامبر اکرم در چند مورد از تعبیر عشق نسبت به خدیجه کبری استفاده می‌کند. حاکم نیشابوری روایتی نقل می‌کند که پیامبر اکرم فرمود: من با خدیجه ازدواج کردم در حالی که به او عشق می‌ورزیدم. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۳ / ۲۰۱، ح ۴۸۴۰)

در جریان دوری چهل روزه پیامبر اکرم و خدیجه کبری که به امر الهی جهت آمادگی معنوی و باطنی تولد حضرت صدیقه طاهره صورت گرفته بود با تعابیری صمیمانه از عشق خود به خدیجه کبری فاش سخن می‌گوید و از خداوند بزرگ وصال بعد از فراق را طلب می‌کند. (... و كنت لها عاشقا، فسألت الله أن يجمع بيني و بينها...)

(بحرانی اصفهانی، ۱۳۴۱ق: ۱۱، قسم ۱/ ۳۹) (الذهبی الشافعی، ۱۹۹۵م: ۵/ ۳۱۶)
 در کتاب «صحیح مسلم» از قول نبی اعظم آمده است که محبت و عشق به خدیجه
 را رزق الهی می‌داند که نصیبش شده است. «إِنِّي قَدْ رُزِقْتُ حُبَّهَا» (مسلم بن الحجاج،
 بی تا: ۴/ ۱۸۸۸، ح ۲۴۳۵)

وفاداری و محبت پیامبر اکرم به گونه ای بود که از هر فرصتی برای تکریم و
 تعظیم خدیجه استفاده می‌کرد و برتری اش را بارها اعلام کرد. ام سلمه روایت
 می‌کند که روزی برای موضوعی نزد پیامبر اکرم رفته بودند و صحبت از خدیجه
 کبری شد. وقتی ما نام خدیجه کبری را بردیم آن حضرت گریان شد و فرمود: مثل
 خدیجه پیدا نخواهد شد. خدیجه در آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند، مرا
 تصدیق نمود، و مرا با ثروت خود برای پیشرفت دین خدا یاری نمود. خدا به من
 دستور داد خدیجه را به قصر زمردی که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن
 نیست بشارت دهم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳ / ۱۳۱)

عایشه می‌گوید: پیامبر ﷺ خدیجه را ستایش می‌فرمود. من گفتم: چه مقدار آن
 زن سرخ گونه را یاد می‌کنید؟ همانا خداوند بهتر از او نصیب شما فرموده است.
 فرمود: خداوند بهتر از او نصیب من نفرموده است، زیرا هنگامی که همه مردم مرا
 تکذیب می‌کردند، او مرا تصدیق می‌کرد و هنگامی که مردم مرا محروم می‌داشتند او
 با اموال خود با من مواسات می‌کرد و خداوند فرزندان مرا از او به من عنایت فرمود و
 حال آنکه از غیر او فرزندی به من عنایت نفرمود (قتال نیشابوری، ۱۳۶۶ش: ۴۳۸)

دل بستگی رسول خدا به حدی بود که وقتی حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب را
 در فاصله اندک از دست داد، از توقف در مکه دلتنگ شد و اندوه سختی او را گرفت و

از کفار قریش بر جان خویش بیمناک شد و از این رو شکایت به جبرئیل کرد. خدای عزوجل به او وحی فرمود: از این سرزمینی که مردمش ستمکارند بیرون شو و به مدینه هجرت کن که در مکه یآوری برایت نمانده و در صدد جنگ با مشرکین باش. در چنین وضعی بود که رسول خدا ﷺ به سوی مدینه متوجه گشت. آن سال را به جهت حزن وارد شده بر نبی اسلام عام الحزن نامند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۸/۱۹)

پیامبر اکرم بعد از رحلت همسر شریفش نسبت به دوستان خدیجه هم مساعدت و ملاحظت داشت. تا آنجا حکایت وفاداری رسول خدا جار بود که وقتی قربانی انجام می داد، برای دوستان خدیجه که با وی ارتباط داشتند نیز گوشت می فرستاد. (مسلم بن الحجاج، بی تا: ۴/۱۸۸۸، ح ۲۴۳۵) روایت شده است که پیرزنی به حضور پیامبر آمد و رسول خدا نسبت به او بسیار محبت فرمود و از او به طور تفصیل احوالپرسی کرد. چون آن زن بیرون رفت، عایشه پرسید: این که بود؟ فرمود: در روزگار زندگانی خدیجه پیش ما می آمد و وفاداری از ایمان است (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶ش: ۴۳۸)

نتیجه گیری

در این نوشتار به دنبال بررسی تحلیلی صفت اخلاقی وفا داری بودیم که یافته‌ها حکایت از آن دارد که عمل به پیمان و عهد و همچنین مداومت در دوستی و محبت دو معنای عمده وفا داری است. وفاداری در حوزه فردی، خانوادگی، اجتماعی و شرعی موضوعیت می یابد و برترین سطح آن و مصداق اتم آن، وفای به حق و رعایت عهد الهی است که همه پیمان‌ها را در بر می گیرد و بدانها سمت و جهت و اصالت می بخشد و محبت مستمر بنده نسبت به مولی را نمایان می سازد.

شخصیت حضرت خدیجه کبری نمونه عالی وفا در تمام معانی و مختصات آن

است؛ چه وفا به معنای تعهد و سرسپردگی نسبت به عهد و میثاق الهی که پیامبر خدا و دین خدا و مومنین را نیز در بر می‌گیرد و چه در معنای ثبات در محبت و ارادت نسبت به محبوب که مصداق آن وجود قدسی حضرت ختمی و اهل بیت و اطرافیان ایشان است و بر این معنا روایات متعدد و سیره نبوی شهادت می‌دهد.

در مورد حضرت خدیجه کبری این نکته شایان توجه و دقت است که ابتدا و قبل از وصلت و شروع رسمی زندگی، اعلان وفاداری نمود و در دوران دعوت نهانی و ابلاغ همگانی، پیمان خود را به انجام رساند و مرارت‌ها و اذیت‌ها او را از این مسیر دور نساخت.

تقدم و سبقت در ایمان و اسلام، بذل کریمانه مال و ثروت در راه دین خدا، یاری و همراهی ماندگار پیامبر اکرم در فراز و فرودها، وفا داری نسبت به متعلقات پیامبر اکرم مانند امیر مومنان، نمونه‌هایی از وفاداری خدیجه کبری است.

نکته‌ای که در مورد خدیجه کبری شاخص است این است که وفا داری ایشان چند بعدی است. یعنی محدود به ایثار بخشی از مال نبوده است. بلکه همه دارایی را کریمانه تقدیم دین خدا نموده است. علاوه بر دارایی با جان خود در کنار پیامبر در سختی‌ها و شدائد ایستادگی کرده است. بارها مورد هتک حرمت و فشارهای روانی و طرد از جماعت زنان قریش به جهت همسری و همراهی با پیامبر اکرم قرار گرفته است. از اعتبار و جایگاه قبیله‌ای خود در جهت دفاع از رسول خدا و گسترش اسلام گذشته است. علی‌رغم تقدیم سرمایه و گذشتن از مناسبات طایفه‌ای خود و لطمات جسمی و مصائب روحی وارد شده، هیچگونه مطالبه و شکوایه‌ای ننموده است و بهره و عایدی و چشمداشت مادی هم نداشته و زندگی خود را خالصانه و فروتنانه به پای اسلام عزیز ریخته است و این اوج وفاداری است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اسحاق، محمد، السير و المغازی، ۱۹۷۸/۱۳۹۸، چاپ سهیل زکار، دارالفکر، چاپ افست ۱۳۶۸ش، قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الأمالی (للمصدق)، ترجمه کمره‌ای، چاپ ششم، ناشر کتابچی، تهران.
۴. _____، ۱۳۷۷ش، معانی الأخبار، ترجمه محمدی شاهرودی، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه. تهران.
۵. ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، فتح الباری شرح صحیح البخاری، دار المعرفه، بیروت.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۴ش، الطرائف، ترجمه داود إلهامی، چاپ دوم، ناشر نوید اسلام، قم.
۷. _____، ۱۴۱۳ق، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین، دارالکتاب، قم.
۸. ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، الاستعیاب فی معرفه الاصحاح، چاپ علی محمد بجای، دارالجیل، بیروت.
۹. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر، ۱۴۰۸ق، البداية والنهاية، محقق علی شیری، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۰. ابن هشام، ۱۳۷۵ش، السیرة النبویة، زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام، مترجم سیدهاشم رسولی، چاپ پنجم، انتشارات کتابچی، تهران.
- ۲۰۳ ۱۱. الذهبی الشافعی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، ۱۹۹۵م، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد الموجود، دار الکتب العلمیة، بیروت.
۱۲. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، ۱۴۱۳ق، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد) مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم.

۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰م، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس عظم، دمشق.
۱۴. پناهی، مهین و کریمی یونجالی، ثریا، زمستان ۱۳۹۱، آموزه اخلاقی وفای به عهد در متون عرفانی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال چهارم، شماره شانزدهم، صفحه ۱ تا ۲۴.
۱۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح رجائی، دارالکتب الاسلامی، قم.
۱۶. حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت.
۱۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق هلالی و سیری، دارالفکر، بیروت.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۹. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، ورقة بن نوفل فی بطنان الجنة، آینه پژوهش، شماره ۳۳، صص ۵۵-۵۱.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم خسروی، چاپ دوم، مرتضوی، تهران.
۲۱. ذهبی، ۱۴۱۳ق، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرسالة، لبنان.
۲۲. ساطع، نفیسه، تابستان ۱۳۹۴، تبیین تطبیقی وفاداری در نظام اخلاقی اسلام و اخلاق غیر دینی، پژوهشهای اخلاقی (فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی ایران)، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۴۰-۲۳.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۸۵ش، فروغ ابدیت، چاپ بیست و پنجم، بوستان کتاب، قم.
۲۴. سجادی، سید جعفر، ۱۳۸۶، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، طهوری، تهران.
۲۵. سید رضی، ۱۳۷۹ش، نهج البلاغه امیر المومنین، ترجمه محمد دشتی، نشر لقمان، قم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ق، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه إعلام الوری، مترجم عطارودی، ناشر اسلامیة، تهران.
۲۷. _____، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح یزدی طباطبایی و رسولی چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران.

۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، **الأمالی (للطوسی)**، ناشر دار الثقافة، قم.
۲۹. غزالی، محمد، ۱۳۷۶، **احیاء علوم الدین**، ربع عادات، جلد ۲، ترجمه موید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳۰. _____، ۱۳۸۳، **کیمیای سعادت**، به کوشش حسین خدیو جم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۶۶ ش، **روضة الواعظین**، ترجمه مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران.
۳۲. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ ق، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۳۳. کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۲۷ ق، **الرسالة العلویة فی فضل أمير المؤمنین علیه السلام علی سائر البریة**، محقق کریمی، نشر دلیل ما، قم.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، **الکافی (ط الإسلامیة)**، چاپ چهارم، مصحح، غفاری و آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۵. _____، ۱۴۳۰ ق، **الکافی (ط - دار الحدیث)**، ۱۵ جلد، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم.
۳۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، **بحار الأنوار (ط بیروت)**، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۷. _____، ۱۳۷۹ ش، **زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)**، ترجمه روحانی، انتشارات مهام، تهران.
۳۸. محمد بن سعد کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، **الطبقات الكبرى**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران.
۳۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۲۲ ق، **میزان الحکمه**، چاپ اول، توزیع دار احیاء التراث العربی، دارالحدیث، لبنان.
۴۰. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۶۲ ش، **ترجمه إثبات الوصیة**، ترجمه نجفی، چاپ دوم، اسلامیه، تهران.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ش، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، دار الکتب الإسلامیة، تهران.

۴۲. مسلم بن الحجاج، بی تا، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

۴۳. نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۸ش، معراج السعاده، چاپ ششم، انتشارات هجرت، قم.

۴۴. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.

۴۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، ترجمه حسن زاده آملی - کمره ای، چاپ چهارم، مکتبه الاسلامیه، تهران.

